Jurisprudence and Legal Studies of Media Journal
VOL. 8 / Autumn 2026 and Winter 2027 / NO. 2 (Serial 16)

Fundamentals of News Criminology in Cyberspace; Challenges and Preventive Solutions

Aboozar Afshar[1] 0000-0002-9019-8270
Maryam Amini Koochak Saraei[2] 0009-0000-8235-6112
Mahdi Movahhedinia[3] 0000-0001-5527-1383

Abstract

With the expansion of new media and social networks, the phenomenon of newsmaking in cyberspace has become one of the most important legal and social challenges. Newsmaking, meaning the production, distortion, or dissemination of news with specific motives, can have many harmful effects on public opinion, social order. From a social perspective, newsmaking in cyberspace is often done with the aim of attracting attention, settling political scores, or creating public excitement, and at deeper levels, it reflects a kind of structural distrust between society and official institutions. From a criminological perspective, the phenomenon of newsmaking can be the result of a connection between individual motives (including psychological emotions and the desire to be seen), social contexts (such as the lack of transparent media), and structural conditions (such as the lack of media oversight). Also, the boundary between professional journalistic misconduct and criminal action is in many cases unclear and needs to be redefined. This article, using a comparative approach - Imami jurisprudence and statutory law - examines the criminological foundations and effects of this phenomenon, and presents challenges and preventive solutions. According to the research findings, criminal news production in cyberspace, also faces challenges in the legal system such as lack of transparency in defining instances, gaps in accurate criminalization, and lack of rapid verification mechanisms. Finally, solutions at three legislative, judicial, and cultural levels are presented with the approach of crime prevention, strengthening non-security monitoring processes, and amending laws governing media crimes to reduce this phenomenon.

Keywords: Newsmaking, cyberspace, criminology, media jurisprudence, cybercrimes.

1- Assistant Professor of Fiqh and Islamic Law Department of Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran (corresponding author of the article) aboozarafshar@gmail.com
2- Master's student, Family Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran ma4808693@gmail.com
3- Assistant Professor of Law Departmen, Adalat University, Tehran, Iran movahhedinia@gmail.com

دوفصلنامه
مطالعات فقه و حقوق رسانه
دانشکده غیردولتی – غیرانتفاعی رفاه

دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)
پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص: ۲۱۳-۲۴۳

مبانی جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی و راهکارهای پیشگیرانه

نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/jlsm.2026.2065726.1030

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۱/۲۸ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

ابادر افشار[۱] مریم امینی کوچک‌سرایی[۲] مهدی موحدی‌نیا[۳]

چکیده

امروزه انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، به یکی از چالش‌های محوری نظام‌های حقوقی و ارتباطی تبدیل شده است. تولید، تحریف یا توزیع اخبار جعلی با انگیزه‌هایی نظیر جلب توجه، تسویه‌حساب‌های سیاسی یا ایجاد هیجان جمعی، نه‌تنها اعتماد عمومی به رسانه‌ها را تضعیف می‌کند بلکه نشانگر بی‌اعتمادی ساختاری میان جامعه و نهادهای رسمی نیز است. با توجه به اینکه این پدیده در منابع فقهی به‌صورت مستقل پیش‌بینی نشده و مرز میان خطای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با رفتار مجرمانه اغلب مبهم است، مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین مبانی جرم‌انگاری، علل وقوع و چالش‌های تقنینی و اجرایی آن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جرم‌انگاری این رفتار می‌تواند برآمده از تعامل سه‌لایه انگیزه‌های فردی، بسترهای اجتماعی و خلأ نظارت رسانه‌ای باشد. هرچند انتشار خبر خلاف واقع با موازین شرعی و اخلاقی منافات دارد، نظام حقوقی ایران با چالش‌هایی نظیر عدم شفافیت در تعریف مصادیق، خلأ در جرم‌انگاری دقیق و نبود سازوکارهای اجرایی بدون اطاله مواجه است. تجربه نافرجام پیش‌نویس لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» در سال ۱۴۰۴، نشان داد که هرگونه جرم‌انگاری در این حوزه نیازمند شفافیت مفهومی، تفکیک میان خطای حرفه‌ای و رفتار مجرمانه و پرهیز از کیفرگرایی صرف است. در پایان، راهکارهایی در سه سطح تقنینی (بازتعریف جرایم مطبوعاتی)، قضائی (تشکیل شعب تخصصی) و اجرایی (تقویت نهادهای مستقل راستی‌آزمایی) با تأکید بر پیشگیری از جرم ارائه شده است.

واژگان کلیدی

محتوای خبری خلاف واقع، نشر اکاذیب، جعل خبر، فضای مجازی، فقه رسانه.

---

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، قم، ایران(نویسنده مسئول)
aboozarafshar@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، قم، ایران
ma4808693@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران movahhedinia@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر، فضای مجازی به بستری جهانی برای تبادل اطلاعات، ارتباطات فردی و انتشار محتوا تبدیل شده و تحول بنیادینی در شیوه دسترسی به اخبار و داده‌ها ایجاد کرده است. با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، امکان انتشار و دریافت اخبار، دیگر به رسانه‌های رسمی محدود نیست و هر فردی می‌تواند در مقام تولیدکننده و توزیع‌کننده اطلاعات ایفای نقش کند *(کیا و سعادت سیرت، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۳)*؛ اما همین ویژگی، زمینه‌ساز بروز پدیده‌ای نگران‌کننده به‌نام "انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی" – یعنی تولید یا بازنشر اخبار کذب و تحریف‌شده با اهدافی چون تحریک افکار عمومی، تخریب اشخاص، یا پیشبرد مقاصد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی– شده است *(ر.ک: کمری و دیگران، ۱۴۰۲، صص. ۳۷-۷۶)*؛ با این توضیح که «انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» در منابع فقهی به‌صورت مستقل سابقه ندارد و تحلیل فقهی آن نیازمند انطباق قواعد کلی بر بستر نوین رسانه‌ای است.

در جمهوری اسلامی ایران، این پدیده نه‌تنها تهدیدی برای امنیت روانی جامعه و سلامت ارتباطات عمومی محسوب می‌شود بلکه با اصول فقهی و موازین قانونی نیز در تعارض است. آموزه‌های اسلامی همواره بر صداقت، حرمت اشخاص و اجتناب از شایعه‌پراکنی تأکید داشته‌اند؛ برای‌مثال، آیات متعددی در قرآن کریم مانند آیه ۷ سوره جاثیه «وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» و آیه ۱۹ سوره نور «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...» صراحتاً از دروغ‌پردازی و ترویج فساد در میان مردم نهی کرده‌اند *(ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳، ص. ۷۸)*. از منظر حقوقی نیز، قوانین ایران سازوکارهایی برای برخورد با این پدیده در نظر گرفته‌اند. ماده ٦٩٨ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات‌هایی مانند حبس یا شلاق پیش‌بینی کرده است. همچنین، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، در مواد گوناگون به مقابله با تولید و انتشار محتوای مجرمانه در بستر دیجیتال پرداخته و مصادیق آن از جمله جعل، افتراء، و انتشار محتوای خلاف واقع را برشمرده است. از منظر جرم‌شناختی، انگیزه‌های مختلفی در پس انتشار محتوای خبری خلاف واقع وجود دارد؛ ازجمله کسب منافع مادی،

رقابت‌های رسانه‌ای، اهداف سیاسی، عقده‌گشایی‌های شخصی یا حتی اختلالات روان‌شناختی در سطح فردی و جمعی *(شعبان‌زاده و خاتم‌زاده، ۱۴۰۲، ص. ۵۵)*؛ بنابراین، مقابله با این پدیده نیازمند رویکردی چندلایه است که تنها به برخورد کیفری محدود نباشد، بلکه آموزش سواد رسانه‌ای، ارتقاء فرهنگ استفاده از فضای مجازی و بازنگری در نظام‌های نظارتی را نیز دربرگیرد. درهمین‌راستا، پژوهش‌های متعددی تلاش کرده‌اند ابعاد مختلف این موضوع را واکاوی کنند. ازجمله پایان‌نامه کارشناسی ارشد اکرم هاشمی (۱۳۹۶) با عنوان "بررسی فقهی و حقوقی جرم خبرسازی در فضای مجازی با تأکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران" ، مقاله محمدی و همکاران (۱۳۹۸) درباره مصادیق حقوقی نشر اکاذیب در فضای سایبری، پژوهش شریفی (۱۴۰۰) درباره خلأهای تقنینی در مقابله با جرائم رسانه‌ای اشاره کرد. آثار نامبرده هرچند به‌طور کلی به موضوع پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر با تمرکز بر «مبانی جرم‌شناسی»، «علت‌شناسی»، «راهکارهای پیشگیرانه» در چهارچوب فقه امامیه و حقوق ایران، وجه تمایز خود را از مطالعات پیشین مشخص می‌سازد. در این پژوهش، با استناد به مبانی فقهی و تحلیل مواد قانونی، نشان داده شده که انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی واجد وصف کیفری است و از مصادیق افتراء، توهین و نشر اکاذیب محسوب می‌شود. همچنین، با تحلیل رویه قضائی، به خلأهای تقنینی و چالش‌های اثبات جرم در دادگاه‌ها اشاره شده و راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی نظام پیشگیری و مقابله در برابر این پدیده ارائه شده است. یافته‌های این پژوهش، مؤید این است که هم‌افزایی میان مبانی شرعی، قوانین کیفری و سیاست‌های رسانه‌ای، لازمه مقابله مؤثر با این پدیده است. به‌طور خاص، این پژوهش نسبت به پژوهش‌های قبلی، ضمن بررسی بسترهای جرم‌شناختی، به تحلیل سیاست‌های پیشگیرانه و غیرکیفری و نقش تقنین و اجرای قانون در کاهش این پدیده پرداخته است. درنهایت، ازآنجاکه فضای مجازی از یک‌سو امکان بهره‌گیری گسترده از حق آزادی بیان را فراهم آورده و ازسوی‌دیگر، بستر سوءاستفاده‌های رسانه‌ای و تهاجم به امنیت روانی جامعه نیز هست، باید میان این دو جنبه، توازنی هوشمندانه برقرار شود. پژوهش حاضر نیز با رویکرد توصیفی–تحلیلی، به بررسی ابعاد فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی جرم انتشار

محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی پرداخته و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، آراء فقها، مواد قانونی و مطالعات پیشین، تلاش می‌کند پاسخی علمی و کاربردی برای این چالش نوظهور ارائه دهد.

۱. مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی

در دوران معاصر، فضای مجازی به بستری فراگیر برای انتشار اطلاعات، تبادل دیدگاه‌ها و تأثیرگذاری اجتماعی بدل شده است. در این بستر نوین، یکی از چالش‌های مهم، پدیده‌ای به نام «انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» یا «تولید و انتشار اخبار جعلی» است که آثار زیان‌بار فراوانی بر نظم عمومی، امنیت روانی، حیثیت اشخاص و اعتماد اجتماعی برجای می‌گذارد. انتشار خبر خلاف واقع، در مفهوم عام خود، به ایجاد، بازنشر یا تحریف اخبار و اطلاعاتی گفته می‌شود که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی یا منافع خاص انجام می‌شود *(قاسمی، ۱۳۹۸، ص. ۵۵؛ بابایی، ۱٤۰۰، ص. ۷۲)*. این رفتار به‌ویژه در فضای مجازی که ویژگی‌هایی چون سرعت، گستردگی و ناشناس‌بودن کاربران را دارد، آثار مخرب‌تری به‌جا می‌گذارد. با این توضیح که در فقه امامیه، «نشر اخبار خلاف واقع در فضای مجازی» به‌عنوان موضوع مستقل مطرح نشده و تحلیل آن مستلزم انطباق قواعد کلی فقهی بر شرایط و بسترهای نوین رسانه‌ای است. ازاین‌رو، بررسی مبانی جرم‌شناختی و نه صرفاً جرم‌انگاری این پدیده، از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، ضرورتی انکارناپذیر است. در نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه امامیه است، جرم‌انگاری رفتاری همچون انتشار خبر جعلی و کذب، باید بر پایه اصول مشروعیت‌ساز فقهی و نیز اصول پذیرفته‌شده حقوقی مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات و لزوم حمایت از منافع عمومی توجیه‌پذیر باشد. ازسوی‌دیگر، در منابع اسلامی، صراحتاً دروغ، افتراء، نشر اکاذیب و خدشه وارد کردن به آبروی مؤمنان به‌عنوان گناهان کبیره و رفتارهای مذموم شناخته شده‌اند *(سوره نور: آیه ۱۹؛ سوره جاثیه: آیه ۷؛ حرعاملی، ۱٤۱۱ق، ج۱۲، ص. ۲۵٤)*. همچنین، قواعد فقهی مانند لاضرر، حرمت ایذاء مؤمن، و اصل حفظ نظام،

ابزارهایی معتبر برای تحلیل فقهی این موضوع به‌شمار می‌آیند. از منظر حقوقی نیز، قوانین مختلفی مانند قانون مجازات اسلامی، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مطبوعات و اسناد بالادستی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با این موضوع درگیر هستند. در این بخش، تمرکز بر مبانی فقهی و مبانی حقوقی مرتبط با فضای مجازی خواهد بود و مواردی که صرفاً به نشر اخبار خلاف واقع در حالت سنتی مربوط است، مورد بحث قرار نمی‌گیرد تا زمینه‌ساز فهم دقیق‌تر سیاست جنایی و رویکرد پیشگیرانه حاکم در قبال این پدیده باشد.

۱-۱. مبانی فقهی جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که مبنای تقنین آن به‌طور اساسی بر فقه امامیه استوار است، جرم‌انگاری هر پدیده نوظهور، نیازمند توجیه فقهی و مشروعیت‌ساز است. ازآنجاکه در فقه امامیه، عنوان «انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی» به‌طور مستقل مطرح نشده است، تحلیل آن مستلزم انطباق قواعد کلی فقهی بر این بستر نوین رسانه‌ای است. انتشار خبر جعلی و کذب به‌عنوان یکی از چالش‌های فضای مجازی، مصداق بارزی از افعال زیان‌بار اجتماعی و اخلاقی است که بر پایه اصول فقهی قابل تحلیل و جرم‌انگاری است. بررسی این مبانی از منظر منابع اسلامی، راه را برای تطبیق و توجیه سیاست جنایی در قبال این پدیده هموار می‌سازد. قرآن کریم، به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین منبع استنباط احکام شرعی، در آیات متعددی نسبت به دروغ‌پردازی، افتراء و اشاعه فحشاء هشدار داده است. در سوره نور آیه ۱۹ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...» که بنابر تفاسیر، به‌روشنی شامل اشاعه اخبار کذب و آسیب‌زننده نیز می‌شود *(انصاریان، ۱۳۸۳، ص. ۷۸)*. همچنین در آیه ۷ سوره جاثیه آمده است: «وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» که واژه «أفاک» از دیدگاه علامه طباطبایی، به‌معنای دروغ‌پرداز حرفه‌ای است و قابل انطباق با فعالان رسانه‌ای متخلف دانسته شده است *(طباطبایی، ۱۳۶۰، ج۱۸، ص. ۲۴۰)*.

در سنت پیامبر اسلام(ص) و روایات اهل بیت(ع) نیز نسبت دادن سخنان ناصحیح یا اتهامات ناروا، ازجمله گناهان بزرگ تلقی شده است. امام علی(ع) می‌فرمایند: «أعظم الذنوب افتراء الکذب» *(نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۵)*. همچنین پیامبر اکرم(ص) در حدیثی فرمودند: «من قال

فی مؤمن ما لیس فیه، أسکنه الله ردغة الخبال...» *(کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۲، ص. ۳٤۲)*. این روایات تأکید دارند که هر نوع اتهام بی‌اساس یا خبر دروغ علیه افراد، با عقوبت الهی مواجه خواهد بود که این معنا در فضای مجازی امروز با اشکالی چون پست‌ها، ویدئوها و مطالب تحریف شده به‌وضوح مصداق پیدا می‌کند *(هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ۵۰-٤۸)*. فقه اسلامی علاوه بر منابع نقلی، قواعدی دارد که در تحلیل مسائل مستحدثه بسیار راه‌گشاست. یکی از مهم‌ترین این قواعد، قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» است. این قاعده بیانگر آن است که هیچ‌کس مجاز به وارد کردن زیان به دیگری نیست، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم. بسیاری از انتشارهای محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، از مصادیق ضرر معنوی، حیثیتی یا حتی مادی به افراد محسوب می‌شوند *(صاحب جواهر، ۱٤۰٤ق، ج۲، ص. ۳۲)*. قاعده «حرمت ایذاء مؤمن» نیز جایگاه ویژه‌ای در فقه دارد. بر اساس این قاعده، هر رفتاری که موجب رنجش یا اذیت مؤمن شود، شرعاً حرام است. در روایت آمده است: «من آذی مؤمناً فقد آذانی» *(حرعاملی، ۱٤۱۱ق، ج۷، ص. ۳۳۸)*. قاعده «فحوای نهی از غیبت و بهتان» نیز مستقیماً قابل تطبیق بر بسیاری از اشکال انتشار محتوای خبری خلاف واقع است. اگر محتوا شامل افتراء یا تحریف درباره اشخاص باشد، چه در قالب پست مجازی، ویدیو، یا اخبار کذب، از مصادیق بارز غیبت و بهتان است که فقها آن را موجب حد یا تعزیر دانسته‌اند. هرگونه نقل کلام یا نسبت ناروا به دیگران، حتی اگر در قالب خبر و گزارش باشد، مشمول احکام غیبت و بهتان است و در موارد خاص می‌تواند موجب حد یا تعزیر شود *(شهید ثانی، ۱٤۱۳ق، ج۹، ص. ٦۱)*. در این رابطه، آیت‌الله مکارم شیرازی تصریح می‌کند که هرگونه رفتار رسانه‌ای که موجب تحقیر و آبروریزی افراد شود، در صورت احراز سوءنیت، مشمول تعزیرات شرعی خواهد بود *(مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج۱، ص. ٤۵٦)*. همچنین قاعده «حفظ نظام» به‌عنوان یکی از اصول مهم فقه حکومتی، برای توجیه جرم‌انگاری رفتارهایی چون انتشار محتوای خبری خلاف واقع بسیار مؤثر است. اگر انتشار اخبار جعلی و ساختگی، منجر به بر هم خوردن امنیت روانی، سلب اعتماد عمومی یا تزلزل در حاکمیت شود، مقابله با آن، بر اساس حفظ نظام واجب خواهد بود *(باقی‌زاده و امیدی‌فر، ۱۳۹۳، ص. ۱۲٦)*. درهمین‌راستا، اصل امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از ابزارهای کلیدی در

مواجهه با نشر اخبار خلاف واقع در فضای مجازی محسوب می‌شود. فقه اسلامی این اصل را نه‌تنها وظیفه‌ای فردی بلکه تکلیفی اجتماعی برای اصلاح جامعه می‌داند. از منظر فقها، هر رفتاری که منکر تلقی شود، ازجمله دروغ‌پردازی و تخریب وجهه دیگران در رسانه، باید مورد نهی قرار گیرد *(طباطبایی،۱۳٦۰، ج۳، ص ۵۷۷)*. این مستندات، مبنای فقهی دخالت نهادهای دولتی و غیردولتی در پالایش محتوای مجرمانه فضای مجازی را تقویت می‌کند. افزون بر منابع نصی و قواعد فقهی، در فقه امامیه منابعی چون اجماع و عقل نیز به‌عنوان ادله معتبر مورد توجه‌اند. اجماع فقهای امامیه بر حرمت دروغ، افتراء، غیبت، بهتان و اشاعه فحشاء، امری مسلّم است. این اجماع، نشان‌دهنده اتفاق‌نظر علمای دین بر قبح ذاتی چنین رفتارهایی است. افزون‌برآن، عقل مستقل نیز در این موضوع نقش ایفا می‌کند. از نگاه عقل عملی، هر رفتاری که منجر به آسیب به اشخاص، تخریب ساختار اعتماد عمومی، اختلال در روابط اجتماعی یا حتی تهدید سلامت روانی جامعه شود، رفتاری قبیح است که باید ممنوع و مهار گردد *(مظاهری، ۱۳۹۱، ج۲، ص. ۱٤۸)*. امروز که فضای مجازی ستر تولید و توزیع انواع محتوای جعلی شده است–، از جعل خبر درباره شخصیت‌های حقیقی و حقوقی گرفته تا تحریف سخنان، نشر شایعات و تولید محتوای گمراه‌کننده با فناوری‌های نوین، فقه امامیه ظرفیت انطباق این مصادیق نو با قواعد کلاسیک را دارد. فقهای معاصر بر این باورند که اصول فقه اسلامی، دارای انعطاف و ظرفیت لازم برای پوشش‌دهی به این تحولات است، مشروط بر آن‌که مصادیق روز با درایت استنباط و انطباق داده شوند *(انصاری، ۱٤۳۲، ج۱، ص. ۱۲۵؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج۲، ص. ٤۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج۱٤، ص. ۲۳۵؛ خویی، ۱٤۱۲م، ج۱، ص. ۳۱٤؛ سبحانی، ۱٤۳۵، ص. ۷۷)*. درنتیجه، فقه امامیه با پشتوانه قرآن، سنت، عقل و قواعد فقهی، توان مشروعیت‌بخشی کامل به جرم‌انگاری انتشار خبر جعلی و کذب در فضای مجازی را دارد و تدوین قوانین کیفری در این زمینه، امتثال به شریعت محسوب می‌شود. با بررسی تطبیقی میان مفاهیم فقهی و کارکرد رسانه‌های نوین، پیشنهاد می‌شود که قواعد سنتی فقه، اگر با اصول روش‌شناسی نوین به‌کار گرفته شوند، می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای نظام حقوقی در عصر دیجیتال باشند *(هاشمی، ۱۳۹٦، صص. ۷۲–۸۰)*. فقه اسلامی، هم از حیث مبانی نظری و هم در قالب قواعد عملی، زمینه‌ای غنی و قوی برای حمایت از جرم‌انگاری پدیده‌هایی چون انتشار خبر جعلی و کذب در فضای مجازی دارد. از یک‌سو،

آیات و روایات، صراحتاً دروغ، افتراء و اشاعه اکاذیب را ممنوع کرده‌اند، و از سوی‌دیگر، قواعدی چون لاضرر، حفظ نظام، حرمت ایذاء مؤمن و اصل امر به معروف، مشروعیت دخالت حاکمیت در این حوزه را تثبیت می‌کنند. عقل و اجماع نیز بر ضرورت ممنوعیت این پدیده گواهی می‌دهند. درنتیجه، تدوین قوانین کیفری در این زمینه، نه‌تنها با اصول اسلامی منافاتی ندارد بلکه عین امتثال به شریعت تلقی می‌شود.

۱-۲. مبانی حقوقی جرم‌انگاری انتشـــار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی

در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری هر رفتار اجتماعی، مستلزم پشتوانه حقوقی روشن و منطبق با اصول بنیادین حقوق کیفری است. در این بخش، تمرکز بر منابع و اصول حقوقی است که به‌طور خاص قابلیت انطباق با پدیده نشر اخبار خلاف واقع در بستر فضای مجازی را دارند و از بحث‌های جرم‌شناسی تفکیک می‌شوند. انتشار خبر جعلی و کذب به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و نوظهور در بستر فضای مجازی، باید مطابق با اصولی نظیر قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب جرم و کیفر و حمایت از حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع بررسی شود. دراین‌راستا، قوانین مختلف ازجمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مطبوعات و برخی اسناد بالادستی نظیر«سیاست‌های کلی نظام در فضای مجازی» *(ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸)* و «سند تحول قضائی» *(قوه قضائیه،۱٤۰۰)* به‌عنوان منابع اصلی حقوقی کشور، مبانی قانونی جرم‌انگاری این پدیده را تأمین کرده‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان منشور حقوق عمومی، توازن مهمی میان آزادی‌های شهروندان و مصالح عمومی برقرار کرده است. اصل ٢٤ قانون اساسی بیان می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند». این اصل به‌صراحت انتشار مطالب مضر به نظم عمومی، اخلاق عمومی یا حقوق اشخاص را خارج از دایره آزادی رسانه‌ای دانسته است. با توجه به ماهیت فضای مجازی و گستره تأثیر آن، انتشار اخبار جعلی و تحریف شده در این بستر،

درصورتی‌که مخل حقوق عمومی باشد، مصداق خروج از این آزادی محسوب می‌شود *(هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ۹٤)*.

در قوانین جزایی مواد متعددی وجود دارند که مستقیماً رفتارهای مرتبط با انتشار خبر خلاف واقع را پوشش می‌دهند. به‌ویژه، ماده ٦۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، اکاذیبی را اظهار کند یا به شخصی نسبت دهد [...] به حبس تا دو سال یا شلاق یا جزای نقدی محکوم خواهد شد». البته به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، حبس این بزه به یک ماه تا یک سال کاهش یافته است. این ماده به‌صورت خاص، عنصر قصد اضرار و تشویش افکار عمومی را مدنظر قرار داده که وجه بارز بسیاری از نمونه‌های انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی است *(نوربها، ۱۳۹۲، ص. ٤۷۵)*. همچنین ماده ٦۹۷ همان قانون، جرم افترا را پیش‌بینی کرده و بیان می‌دارد: «هرکس به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود، بدون اینکه صحت آن نزد مقام صالح ثابت شود، مفتری محسوب می‌شود» *(قانون تعزیرات، ۱۳۷۵، ماده ٦۹۷)*. بسیاری از محتوای منتشرشده در فضای مجازی، بدون بررسی صحت اطلاعات، اتهامات ناروا به اشخاص وارد می‌کند که مشمول این ماده هستند *(مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۸۲)*. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، بستر قانونی اختصاصی برای مواجهه با جرایم فضای مجازی را فراهم کرده است. در ماده ۱۸ این قانون آمده است: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی، از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، اکاذیبی را منتشر یا توزیع یا در دسترس دیگران قرار دهد، به حبس تا دو سال یا جزای نقدی محکوم می‌شود» *(قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸، ماده ۱۸)*. این ماده، مصداق کامل بسیاری از رفتارهای نشر اخبار خلاف واقع در شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و سکو(پلتفرم)های اینترنتی است که موجب لطمه به حیثیت یا اعتماد عمومی می‌شوند *(هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ۱۰۸)*. در ماده ۱٦ همین قانون نیز جرم «هتک حیثیت» از طریق انتشار تصویر، صوت یا اطلاعات تحریف شده پیش‌بینی شده که در بسیاری از موارد، یکی از روش‌های رایج نشر اخبار خلاف واقع رسانه‌ای است.

قانون مطبوعات (۱۳٦٤ با اصلاحات بعدی) نیز با وجود تمرکز اولیه بر رسانه‌های چاپی،

همچنان یکی از منابع تحلیلی مؤثر در مواجهه با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی به‌شمار می‌رود. ماده ٦ این قانون صراحت دارد که «انتشار مطالب خلاف واقع، افترا و نشر مطالب تشویش‌کننده اذهان عمومی ممنوع است» *(قانون مطبوعات، ١٣٦٤، ماده ٦)*. همچنین در ماده ۲۳ مقرر شده که «مدیرمسئول باید پاسخ‌گوی هرگونه نشر اکاذیب یا افترا باشد». با توسعه مفهوم رسانه و پذیرش کاربرد این مواد نسبت به رسانه‌های دیجیتال در رویه قضائی، این احکام به‌طور مستقیم انطباق با فضای مجازی هستند *(رحمانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۷)*.

در حوزه اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی نظام در فضای مجازی *(ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹)* بر «ضرورت طراحی نظام حقوقی کارآمد برای صیانت از حقوق عمومی در فضای مجازی» تأکید کرده‌اند. در این سند، مقابله با «شایعه‌پراکنی، تحریف واقعیت و نشر خبر تخریب شخصیتی» به‌عنوان یک وظیفه حاکمیتی برشمرده شده است *(مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹٦، ص. ۳۱)*. همچنین سند تحول قضائی (١٤٠٠) که توسط قوه قضائیه منتشر شده، یکی از راهبردهای خود را «ارتقای پاسخ‌دهی حقوقی به جرایم رسانه‌ای و ارتکاب اخبار جعلی» قرار داده است *(قوه قضائیه، ١٤٠٠، بند ٥-٣)*.

رویه قضائی نیز در سال‌های اخیر در مواجه با پرونده‌های مرتبط با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی شکل گرفته است. دادگاه‌های ویژه جرایم رایانه‌ای در تهران، مشهد و شیراز، به‌طور خاص در رسیدگی به اتهامات «نشر اکاذیب» فعال بوده‌اند. به‌عنوان‌نمونه، در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۵۸۰۰۷۸٦ صادره از شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، متهمی که خبر دروغی درباره وضعیت سلامت یکی از مقامات منتشر کرده بود، به استناد ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای به حبس محکوم شد *(سامانه جامع تنقیح قوانین و مقررات، ١٤٠٢)*. تعدد و شباهت این آرای، حاکی از شکل‌گیری یک رویه ثابت در رسیدگی به این دسته جرایم است. درعین‌حال، حقوق کیفری باید با ملاحظات مهمی در حوزه آزادی‌های مشروع همراه باشد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، و اصل تناسب، از جمله اصولی‌اند که باید مانع از افراط در جرم‌انگاری شوند *(مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، صص ۹۱–۹۳)*. بدین معنا که مداخله کیفری در فضای مجازی نباید بهانه‌ای برای نقض آزادی بیان مشروع و قانونی شود و باید تعادل میان حمایت

از حقوق عمومی و آزادی‌های فردی برقرار گردد. در بررسی تطبیقی، می‌توان به قوانین برخی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان اشاره کرد که در آن‌ها نیز انتشار اخبار دروغ و شایعات تحت شرایط خاص جرم‌انگاری شده‌اند، مشروط به آن‌که به اعتماد عمومی، امنیت ملی یا حیثیت اشخاص لطمه وارد آید (*Muller, 2018, p. 91*). در عوض، برخی نظام‌های لیبرال مانند ایالات متحده، تنها در موارد نادر به جرم‌انگاری پرداخته و بیشتر به جبران خسارت مدنی اکتفا کرده‌اند (*Smith, 2020, p. 213*).

درنهایت، باید گفت مبانی حقوقی جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، مجموعه‌ای هماهنگ از اصول اساسی، مواد قانونی، رویه‌های قضائی و اسناد سیاست‌گذارانه را شامل می‌شود که بر ضرورت مداخله حقوقی در برابر این پدیده گواهی می‌دهند. این مداخله، هنگامی مشروع خواهد بود که در پرتو اصول دادرسی عادلانه و با رعایت حریم خصوصی و آزادی بیان مشروع انجام شود؛ بنابراین، قانون‌گذار ایرانی ضمن استفاده از ظرفیت‌های موجود، باید در جهت شفاف‌سازی، روزآمدسازی و فناوری‌محور کردن این قوانین گام بردارد تا بتواند به‌درستی با پیچیدگی‌های انتشار خبر خلاف واقع در عصر دیجیتال مقابله کند.

۲. واکنش نظام حقوقی نسبت به جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی

در دهه اخیر، فضای مجازی به بستری فراگیر برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بدل شده است؛ محیطی که در آن تولید، بازنشر و دسترسی به اخبار با سهولت و سرعتی بی‌سابقه انجام گیرد و پیامدهای آن، نیازمند واکنش حقوقی متناسب است. در این میان، پدیده «انتشار خبر خلاف واقعیت» یا «جعل و تحریف خبر» به یکی از تهدیدهای مهم علیه نظم اجتماعی، امنیت روانی شهروندان و سلامت گفت‌وگوی عمومی تبدیل شده است. این پدیده، به‌ویژه در شرایط بحرانی یا حساس، مانند اعتراضات اجتماعی، بحران‌های

اقتصادی یا شرایط اپیدمی، می‌تواند موجب اغتشاش ذهنی، تحریک اجتماعی، بدبینی نسبت به نهادهای رسمی و حتی بروز جرایم ثانویه شود.

از دیدگاه مفهومی، انتشار خبر جعلی و کذب در فضای مجازی، یک کنش رسانه‌ای انحرافی است که برخلاف هنجارهای اطلاع رسانی عمل کرده و هدف آن گمراهی مخاطب، تأثیرگذاری غیرواقع‌گرایانه یا تحریک افکار عمومی است. مطابق دیدگاه کوئن (*Cohen, 2002, p. 36*)، چنین کنش‌هایی از مصادیق «انحرافات رسانه‌ای» محسوب می‌شوند که به‌صورت سازمان‌یافته یا فردی شکل می‌گیرند و به دلیل قابلیت تکثیر و گسترش سریع در فضای مجازی، آثار مخرب گسترده‌تری نسبت به دروغ‌های فردی در محیط‌های محدود دارند. افزون‌براین، آثار روانی، فرهنگی و اجتماعی این پدیده بسیار فراتر از یک خبر نادرست ساده است؛ چرا که معمولاً با ایجاد اضطراب جمعی، تضعیف مرجعیت رسانه‌ای و بی‌ثباتی ذهنی همراه می‌شود (*Binder, 2016, p. 421*). برخلاف رسانه‌های سنتی که ساختارهای رسمی برای تأیید منبع و راستی‌آزمایی خبر دارند، فضای مجازی فاقد نظام‌های کنترلی پایدار است و به همین دلیل، انتشار اخبار جعلی در آن تسهیل می‌شود. الگوریتم‌های سکوهای اجتماعی که مبتنی بر افزایش تعامل و جذب کاربر طراحی شده‌اند، تمایل بیشتری به نمایش محتواهای احساسی، اغراق‌شده و حتی جعلی دارند (*Vosoughi, Roy & Aral, 2018, p. 1147*). این روند، به شکل‌گیری و تداوم جریان‌های خبری غیرمعتبر و تضعیف سازوکارهای رسمی اطلاع‌رسانی کمک می‌کند. از منظر جامعه‌شناسی رسانه، این فرایند به تقویت آنچه «بازار سیاه اطلاعات» نامیده می‌شود، منجر می‌گردد (*Castells, 2011, p. 55*)؛ جایی که حقیقت جای خود را به روایت‌های غالب مبتنی بر منافع سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک می‌دهد. در چنین محیطی، مخاطب به‌جای ایفای نقش شهروند آگاه، به مصرف‌کننده‌ای منفعل و هیجانی بدل می‌شود که پیوسته در معرض داده‌های آلوده و گزینشی قرار دارد.

براین‌اساس، بخش دوم مقاله با تمرکز بر سیاست جنایی ایران، واکنش‌های قانونی و کیفری نسبت به انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی را بررسی می‌کند. این بررسی شامل تحلیل قوانین موجود، رویه‌های قضائی، چالش‌های اجرایی و همچنین

ظرفیت‌های پیشگیرانه خواهد بود. رویکرد اتخاذ شده، تلاش دارد مبنایی علمی برای تدوین سیاست‌های حقوقی و رسانه‌ای واقع‌بینانه‌تر، متناسب با تحولات فناوری و نیازهای جامعه ایران فراهم آورد.

۲-۱. تحلیل آثار جرم‌انگاری انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی

انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی به‌ویژه در بستر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، به پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی تبدیل شده که مرز میان آزادی بیان، تولید محتوا و ارتکاب جرم را مبهم کرده است. این رفتار، از منظر جرم‌شناسی، نه‌تنها انحراف از هنجارهای ارتباطی و اطلاعاتی تلقی می‌شود بلکه واجد پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی جدی است که گاه تأثیر آن از جرایم سنتی نیز بیشتر است. بررسی مفهومی و جرم‌شناختی انتشار خبر جعلی و کذب، به ما کمک می‌کند تا نسبت به طراحی سیاست جنایی، مداخلات حقوقی و برنامه‌های پیشگیرانه در این حوزه، دیدی واقع‌گرایانه‌تر داشته باشیم. در نخستین گام، لازم است انتشار خبر خلاف واقع را به‌مثابه کنش اجتماعی منحرف در نظر بگیریم. بر اساس نظریه برچسب‌زنی هاوارد بکر (*Becker, 1963, pp. 9-12*) انحراف زمانی تعریف‌پذیر می‌شود که رفتار از سوی جامعه یا نهادهای رسمی با برچسب منفی مواجه شود. در ایران، تولید و انتشار اخبار جعلی و جهت‌دار، چنانچه با اهدافی مانند اخلال در نظم عمومی، تحریک افکار عمومی یا تخریب وجهه اشخاص همراه باشد، از سوی نهادهای قضائی، انتظامی یا امنیتی تحت عنوان جرم، طبقه‌بندی می‌شود *(هاشمی،۱۳۹۶، صص. ٤٨-٥٠)*. این نوع کنش‌ها، به‌ویژه به دلیل ناشناسی عاملان، فقدان نظارت مؤثر و سرعت انتشار، به‌راحتی در میان جامعه گسترش می‌یابند و موجب اختلال در نظم و امنیت ذهنی می‌شوند.

یکی از پیامدهای جدی نشر خبر جعلی و دروغین، تضعیف سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی که بر اعتماد عمومی به نهادها، رسانه‌ها و ساختار حاکمیت متکی است، در اثر انتشار مکرر اخبار کذب، دچار فرسایش می‌شود. در پژوهشی که توسط مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شد، مشخص شد که بیش از

٦٠درصد کاربران ایرانی، اعتماد خود به رسانه‌ها را به دلیل انتشار اخبار تأییدنشده و جعلی از دست داده‌اند *(مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۵)*. این روند، در درازمدت می‌تواند موجب بی‌تفاوتی سیاسی، کاهش مشارکت اجتماعی و تشدید شکاف میان مردم و دولت شود.

دومین آسیب مهم، افزایش بی‌ثباتی روانی و نارضایتی عمومی است. انتشار خبر جعلی و کذب، خصوصاً در حوزه‌های حساس مانند اقتصاد، سلامت، امنیت یا آموزش، احساس ناامنی روانی ایجاد می‌کند؛ برای‌مثال، انتشار شایعه ورشکستگی بانک‌ها یا کمبود کالاهای ضروری می‌تواند موجی از نگرانی، هجوم به بازار و بی‌ثباتی اقتصادی ایجاد کند *(وطن‌خواه و دیگران، ۱٤۰۳، ص ۱۳۳)*. این وضعیت، اعتماد به ساختار اطلاع‌رسانی رسمی را تضعیف کرده و زمینه‌ساز رفتارهای هیجانی، اعتراضات کور و تنش‌های اجتماعی می‌شود.

در بعد اجتماعی، انتشار خبر جعلی و کذب زمینه‌ساز قطبی‌شدن جامعه و ایجاد شکاف‌های اجتماعی می‌شود. محتوای جعلی با اهداف خاص سیاسی، مذهبی یا قومی، می‌تواند گروه‌های اجتماعی را علیه یکدیگر تحریک کند. در وقایع آبان ۱۳۹۸ و شهریور ۱٤۰۱، بخش قابل‌توجهی از تحریکات میدانی، ناشی از خبرهایی بود که بدون منبع مشخص و با قالب عاطفی و تحریکی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد *(هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ۱۰۸؛ مرکز ملی فضای مجازی، ۱٤۰۲)*.

از منظر روان‌شناختی نیز، پیامدهای این پدیده قابل توجه است. اضطراب، بی‌خوابی، افسردگی، بدبینی و گسترش نظریه‌های توطئه از جمله اثرهای مستند این پدیده‌اند. پژوهش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۱۳۹۹) نشان داد که کاربرانی که روزانه بیش از سه ساعت در معرض اخبار جعلی قرار می‌گیرند، با احتمال ٤٥درصد بیشتر دچار اختلالات خواب، استرس شدید و تزلزل در تصمیم‌گیری‌های شخصی می‌شوند. همچنین مواجهه مداوم با این نوع محتوا می‌تواند احساس ناامیدی مزمن، کاهش تمرکز و افت تحصیلی یا شغلی را به‌دنبال داشته باشد.

در سطح فرهنگی، انتشار خبر جعلی و کذب به قبح‌زدایی از جرایم و هنجارشکنی می‌انجامد. محتوایی که بارها و بارها درباره فساد، خشونت یا روابط غیرقانونی منتشر می‌شود، در ذهن مخاطب، ماهیت مجرمانه خود را از دست می‌دهد و به بخشی از روایت روزمره تبدیل می‌شود. این روند، منجر به کاهش حساسیت اجتماعی نسبت به جرم و در

نتیجه، کاهش میل به مشارکت در کنترل اجتماعی می‌شود (*Garland, 2001, pp. 159-161*). درواقع، تکرار غیرمسئولانه مفاهیم مجرمانه در رسانه، موجب شکل‌گیری جامعه‌ای بی‌اعتنا به هنجارهای حقوقی خواهد شد. چنین پدیده‌ای به‌مرور به شکل‌گیری «بی‌تفاوتی مدنی» نیز منجر می‌شود. از سوی‌دیگر، یکی از آثار مهم انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، تحریک به جرم تقلیدی[1] است. نوجوانان یا جوانانی که به‌طور مستمر در معرض اخبار جعلی درباره مجرمان یا خشونت قرار می‌گیرند، ممکن است رفتار مشابهی را در پیش گیرند. بر اساس مطالعات پژوهشگاه قوه قضائیه، در سال ۱٤۰۱، ۲٤درصد از جرایم ارتکابی نوجوانان، متأثر از محتوای رسانه‌ای بوده است *(پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱٤۰۲)*. این موضوع، ضرورت رویکرد پیشگیرانه و آموزشی را دوچندان می‌کند. حتی برخی والدین ناآگاه، با بی‌توجهی به نوع محتوایی که فرزندانشان مصرف می‌کنند، در تداوم این روند سهیم‌اند. افزون بر نوجوانان، افراد بزرگسال نیز ممکن است تحت تأثیر مکرر انتشار اخبار جعلی هدفمند، اقدام به رفتارهایی افراطی مانند تحقیر نهادها، توهین به اشخاص یا نشر عمدی اطلاعات بی‌اساس کنند. برخی از این رفتارها در قالب «کنش‌های اعتراضی رسانه‌ای» بروز پیدا می‌کنند که گاه از سوی عاملان به‌عنوان «افشاگری» توجیه می‌شوند؛ اما از نظر حقوقی مصداق اتهام و افترا به‌شمار می‌روند *(یزدانی و مقدسی، ۱۳۹۷، ص. ۸۲)*.

نهادهای رسمی فرهنگی و رسانه‌ای نیز از آسیب این روند در امان نیستند. مراجع دینی، دانشگاه‌ها، و رسانه‌های رسمی که حامل مشروعیت و اخلاق عمومی هستند، در برابر حجم انبوه محتوای جعلی، دچار فرسایش مرجعیت شده‌اند *(مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست‌جمهوری، ۱٤۰۰)*. درنتیجه، مخاطبان به منابع غیررسمی یا حتی صفحات نامعتبر گرایش پیدا می‌کنند که این امر، چرخه بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند. ازهمین‌رو، بازتعریف نقش رسانه‌های رسمی و بازسازی سرمایه معنوی آن‌ها، به ضرورتی گریزناپذیر بدل شده است.

در تحلیل جرم‌شناسی نظری نیز، انتشار خبر جعلی و کذب را می‌توان با نظریات «پنجره شکسته» و «بی‌سازمانی اجتماعی» تحلیل کرد. مطابق نظریه ویلسون و کلینگ (*Wilson & Kelling, 1982, pp. 1-5*)، در جامعه‌ای که رفتارهای هنجارشکن بدون واکنش باقی می‌ماند،

1. Copycat Crimes

سطح تحمل جرم بالا رفته و زمینه برای جرایم بزرگ‌تر فراهم می‌شود. انتشار خبر جعلی و کذب، یکی از این رفتارهای هنجارشکن است که اگر با واکنش مناسب مواجه نشود، موجب فروپاشی تدریجی نظم هنجاری جامعه خواهد شد. همچنین از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، تعاملات رسانه‌ای به‌ویژه در شبکه‌های مجازی، بستر الگوسازی منفی و یادگیری رفتارهای انحرافی را فراهم می‌کنند (*Bandura, 1977, pp. 23-25*). گسترش فرهنگ شایعه‌پراکنی و زوال اخلاق ارتباطی، از دیگر تبعات این پدیده است. کاربران، در اثر مواجهه مکرر با اخبار دروغ، به‌تدریج نسبت به صحت اطلاعات بی‌اعتنا شده و خود، در بازتولید این محتوا نقش‌آفرین می‌شوند. این چرخه، خطرناک‌ترین مرحله آسیب است؛ زیرا جرم از حالت انحراف فردی به «هنجار آلوده» جمعی بدل می‌شود (*Kofta, 2020, pp. 198-203*). در چنین فضایی، بازگرداندن اعتماد عمومی و بازسازی گفتمان اخلاق‌محور، بسیار دشوار خواهد بود.

انتشار خبر جعلی و کذب در فضای مجازی، پدیده‌ای صرفاً اخلاقی یا رسانه‌ای نیست بلکه دارای ابعاد گسترده و عمیق جرم‌شناختی است. این پدیده، از منظر اجتماعی موجب فرسایش سرمایه اجتماعی، از منظر روانی تولیدکننده اضطراب و اختلالات رفتاری، از منظر فرهنگی عامل قبح‌زدایی از جرم، و از منظر امنیتی، تهدیدی برای نظم عمومی است. مقابله با آن، نیازمند تحلیلی علمی، سیاست‌گذاری واقع‌بینانه و اجرای اقدامات پیشگیرانه در ابعاد فرهنگی، تربیتی و فناوری است. در ادامه، تحلیل سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و پاسخ‌های کیفری و پیشگیرانه آن، بررسی خواهد شد.

۲-۲. پاسخ کیفری و پیشگیرانه در برابر انتشار خبر خلاف واقع- تحلیل سیاست جنایی ایران

پس از بررسی پیامدهای اجتماعی، روانی و فرهنگی انتشار خبر خلاف واقع، اکنون باید دید که سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران چه تدابیری برای مقابله با این پدیده اندیشیده است. سیاست جنایی، نه‌فقط شامل تدابیر کیفری بلکه ترکیبی از اقدامات تقنینی، قضائی و اجرایی که بخشی از آن ماهیت فرهنگی دارد، برای پیشگیری و واکنش به

رفتارهای مجرمانه است *(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۳۱)*. در این بخش، ابتدا سیاست کیفری موجود در قوانین ایران و سپس راهکارهای اصلاحی و پیشگیرانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، رویکرد غالب، سنتی و مبتنی بر جرم انگاری کیفری نسبت به نشر اخبار خلاف واقع در فضای مجازی اتخاذ شده است. ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) به‌طور خاص انتشار اکاذیب را جرم‌انگاری کرده و مجازات حبس و جزای نقدی برای آن در نظر گرفته است. همچنین ماده ٦٩٨ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی را مستوجب مجازات می‌داند. بااین‌حال، این مواد فاقد تعریف دقیق و روزآمد متناسب با ویژگی‌های نشر اخبار خلاف واقع دیجیتال و فناوری‌محور هستند *(یزدانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵)*. از منظر جرم‌شناسی، یکی از چالش‌های مهم این مواد، تعریف نادقیق و مبهم از مفاهیمی چون «اکاذیب»، «تشویش اذهان عمومی» یا «افتراء» است. درنتیجه، تشخیص و تطبیق رفتارهای رسانه‌ای با این مفاهیم در عمل دشوار بوده و موجب عدم انسجام در آراء قضائی شده است *(جوانمرد، ۱۳۹۸، ص. ٢٤)*. این ابهام باعث شده برخی پرونده‌ها با استناد به ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای محکوم و برخی دیگر تبرئه شوند، درحالی‌که ماهیت رفتار مشابه بوده است؛ برای‌مثال، در پرونده شماره ۹۹۰۹۹۷۲٦۸۹۲۰۰۱۲ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان، متهم به استناد ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه ای محکوم شد، درحالی‌که در پرونده شماره ۹۸۰۹۹۷۲٦۱۷۹۰۰۳٤ شعبه ۷ همان دادگاه، متهم دیگری با رفتاری مشابه به دلیل فقدان احراز عناصر معنوی جرم، تبرئه گردید *(پایگاه قوه قضائیه، ۱٤۰۳)*. از سوی‌دیگر، رویه قضائی در سال‌های اخیر تلاش کرده است که با تشکیل شعب تخصصی در دادسرای ویژه جرایم رایانه‌ای، به‌نوعی کارآمدی را افزایش دهد. نمونه‌هایی از آرای دادگاه‌های تجدیدنظر در شهرهای تهران، اصفهان و مشهد نشان می‌دهد که قضات، گاه برای تشخیص «عنصر معنوی جرم» به قصد سوءنیت کاربران در بازنشر اخبار جعلی توجه می‌کنند و گاه صرفاً به‌وقوع رفتار اکتفا می‌شود *(قوه قضائیه، ۱٤۰۲)*.

از دیدگاه سیاست جنایی افتراقی، باید توجه داشت که تأثیر نشر خبر جعلی و کذب یک فرد عادی با یک چهره مشهور یا رسانه رسمی متفاوت است. در ایران، هنوز تفکیک دقیقی

میان مسئولیت کیفری کاربران عادی و سکوهای رسانه‌ای یا اینفلوئنسرها وجود ندارد. درحالی‌که بسیاری از کشورها، مقررات خاصی برای «سکوهای محتوامحور» و افراد با نفوذ اطلاعاتی تصویب کرده‌اند (*UNESCO, 2022, pp. 41-43*). افزون بر چالش‌های تقنینی و قضائی، ضعف ساختاری در نهادهای مسئول نیز به چشم می‌خورد. شورای عالی فضای مجازی، پلیس فتا، وزارت ارشاد، صدا و سیما، و کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، هر یک بخشی از مسئولیت مقابله با محتواهای مجرمانه را برعهده دارند؛ اما نبود یکپارچگی، موازی‌کاری و نبود سامانه‌های هوشمند برای رصد و تشخیص سریع محتوا، موجب کاهش اثربخشی اقدامات شده است *(مرکز ملی فضای مجازی، ۱٤۰۰، ص. ۵۸)*. در سطح بین‌المللی، کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، کره‌جنوبی و روسیه قوانین جامعی درباره «واکنش سریع سکوها» دارند. این کشورها سکوها را ملزم کرده‌اند که ظرف مدت مشخص (معمولاً ۲٤ تا ۷۲ ساعت) نسبت به حذف محتوای مجرمانه یا مشکوک اقدام کرده و پاسخگوی نهادهای قضائی باشند (*UNODC, 2021, pp. 92-94*). در ایران، فقدان چنین الزاماتی باعث شده است که بسیاری از محتواهای زیان‌بار، حتی پس از گزارش رسمی، در شبکه‌ها باقی بمانند. در این شرایط، تدوین قانون جامع رسانه‌های دیجیتال که مسئولیت کاربران، سکوها و نهادهای ناظر را به‌صورت شفاف تعریف کند، ضروری است. چنین قانونی باید مفاهیمی چون «انتشار خبر خلاف واقع»، «انتشار محتوای تحریف‌شده»، «اخبار ساختگی» و «تحریک روانی جمعی» را به‌دقت تعریف کند و ضمانت اجراهای متناسب برای آنها پیش‌بینی نماید *(حیدری، ۱٤۰۳، صص. ۲۸-۳۰)*. در حوزه پیشگیری نیز، باید ارتقاء سواد رسانه‌ای و تربیت شهروند دیجیتال در دستور کار قرار داد. تجربه موفق کشورهایی مانند مالزی و اندونزی نشان می‌دهد که آموزش تشخیص اخبار جعلی، تقویت مهارت تفکر انتقادی و قدرت تحلیل از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های رسمی، نقش کلیدی در کاهش این پدیده دارد (*Nasrullah, 2020, pp. 87-90*). آموزش همگانی برای تشخیص اخبار جعلی، مهارت‌های تفکر انتقادی، و تقویت قدرت تحلیل از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های رسمی باید در اولویت قرار گیرد.

۳. طراحی نظام مقابله‌ای انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی در فضای مجازی؛ از چالش‌ها تا راهکارها

در عصر دیجیتال، فضای مجازی به بستری فراگیر برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شده است. این تحول، در کنار فرصت‌هایی که برای توسعه ارتباطات و گسترش آزادی بیان فراهم آورده، تهدیدهایی نیز با خود به همراه داشته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، پدیده «انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی» است. «انتشار اخبار کذب، تحریف عمدی اطلاعات، بازنشر جهت دار داده‌های نادرست و جعل رسانه‌ای»، از مصادیق این پدیده‌اند که ضممن خدشه به «امنیت روانی و اعتماد عمومی»، مشروعیت نهادها را تضعیف کرده و نظم عمومی را تهدید می‌کنند. همان‌طور که در بخش‌های پیشین مقاله مورد بحث قرار گرفت، انتشار خبر جعلی و کذب در فضای مجازی نه‌تنها رفتاری ضداخلاقی و مغایر با ارزش‌های اسلامی، بلکه رفتاری جرم‌زا و گاه سازمان‌یافته است که پیامدهای سنگینی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و امنیتی دارد. اما مسئله اینجاست که نظام حقوقی و اجرایی ایران، اگرچه در برابر این پدیده واکنش‌هایی داشته؛ اما با موانع و چالش‌های متعددی در سطح قانون‌گذاری، اجرا و فرهنگ عمومی مواجه است. ابهام در مفاهیم قانونی، ضعف ابزارهای فنی، نبود تخصص حقوقی و فناورانه، پراکندگی نهادی، و فقدان حمایت از قربانیان، تنها بخشی از این موانع هستند که موجب شده مقابله با انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی از کارایی لازم برخوردار نباشد. از سوی‌دیگر، ظرفیت‌های غنی فقه اسلامی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند حرمت ایذاء مؤمن، قاعده لاضرر، حرمت افتراء، اشاعه فحشا، و ضرورت حفظ نظام اجتماعی، می‌تواند پشتوانه‌ای معتبر و بومی برای سیاست‌گذاری کیفری در این حوزه فراهم آورد. بااین‌حال، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم اجتهاد پویا، بازخوانی قواعد فقهی در پرتو مقتضیات نوین رسانه‌ای و طراحی سازوکارهایی عملی و روزآمد است. این بخش، با هدف عبور از تحلیل صرف و ورود به عرصه کاربرد و راهبرد، به ارائه راهکارهای دقیق، اجرایی و تطبیقی برای مقابله با انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی می‌پردازد. در این مسیر، تلاش شده است که ضمن حفظ رویکرد ایرانی–اسلامی مقاله، به تجارب بین‌المللی، داده‌های

روز، و اقتضائات فناوری توجه ویژه شود. این راهکارها در سه محور اساسی ارائه خواهند شد: نخست، راهبردهای فقهی و قانونی برای بازتعریف جرم نشر اخبار خلاف واقع و تنظیم رفتار رسانه‌ای؛ دوم، راهکارهای اجرایی برای ارتقای کارآمدی نهادها و فناوری‌ها؛ و سوم، سیاست‌های فرهنگی و آموزشی برای پیشگیری و مقابله اجتماعی. امید است این پیشنهادات، گامی مؤثر در جهت نظام‌مندسازی مقابله با یکی از چالش‌برانگیزترین جرایم نوظهور در جامعه ایران باشد.

۳-۱. راهکارهای تقنینی مقابله با انتشار خبر خلاف واقع در فضای مجازی

با توجه به بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی در مواجهه با پدیده انتشار خبر خلاف واقع، اکنون لازم است به طراحی راهکارهایی بپردازیم که نه‌تنها مبتنی بر مبانی اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد، بلکه کارآمد، قابل اجرا و متناسب با شرایط نوین فضای مجازی نیز باشد. راهکارهای فقهی و حقوقی در این بخش در سه سطح «تقنین»، «تفسیر» و «سیاست‌گذاری» ارائه می‌گردد تا از ابعاد مختلف، چهارچوب جامع مقابله با انتشار خبر خلاف واقع ترسیم گردد.

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در حوزه تقنین، بازتعریف دقیق و جامع «انتشار خبر خلاف واقع» در قالب یک جرم مستقل در قوانین موضوعه است. درحال‌حاضر، این پدیده تنها در قالب عناوینی چون «نشر اکاذیب»، «افتراء»، «نشر مطالب خلاف واقع» در قوانین مختلف پراکنده شده است. این وضعیت، هم موجب تداخل کارکردهای قانونی شده، هم راه را برای تفسیرهای سلیقه‌ای و بعضاً ناقص باز گذاشته است. در کنار بازتعریف جرم، اصلاح مواد مرتبط در «قانون جرایم رایانه‌ای» و «قانون مطبوعات» نیز ضرورت دارد. به‌ویژه باید جایگاه قانونی سکوها و رسانه‌های دیجیتال داخلی و خارجی، در قبال انتشار محتواهای جعلی، بازنگری شود. درحال‌حاضر، مسئولیت مدیران سکوها به‌صراحت تعیین نشده و این مسئله موجب شده که بسیاری از آنان نسبت به محتواهای مجرمانه منتشرشده در بسترهایشان پاسخ‌گو نباشند. پیشنهاد می‌شود قانونی جدید تحت عنوان «نظام مسئولیت

سکو(پلتفرم)ها» تدوین شود که در آن، وظایف و ضمانت اجراهای مشخصی برای حذف، هشدار، یا اصل صحت‌سنجی محتواهای منتشرشده توسط کاربران، پیش‌بینی گردد.

از منظر فقهی نیز، می‌توان با بهره‌گیری از قواعدی مانند قاعده لاضرر، حرمت ایذاء مؤمن، قاعده حفظ نظام و اصل وجوب نهی از منکر، مستندات محکمی برای جرم‌انگاری نشر خبر جعلی و کذب فراهم کرد. در ادبیات فقهی، نقل خبر خلاف واقع، چنانچه به حیثیت فرد یا جامعه لطمه وارد کند، از مصادیق افتراء و اشاعه فحشا محسوب شده و مشمول تعزیرات شرعی می‌گردد. امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله، نشر مطالب ناروا درباره مؤمن را مشمول مجازات‌های شدید می‌داند *(خمینی، ۱٤۰٤ق، ج٤، ص. ٤٨٥)*. براین‌اساس، تطبیق مصادیق نوظهور رسانه‌ای بر مفاهیم سنتی فقهی، نیازمند اجتهاد موضوعی است. فقهایی چون آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی نیز در بیانات متعدد خود، تأکید دارند که قواعد فقهی قابل انطباق با تحولات فناوری هستند *(مکارم شیرازی، ۱٤۱۰ق، ص.۱۳۲؛ جوادی آملی، ۱٤۰۲، ص. ٥۲)*. از دیگر اقدامات فقهی، می‌توان به تدوین «دستورالعمل اخلاق رسانه‌ای اسلامی» با استناد به منابع معتبر فقه شیعه اشاره کرد. این دستورالعمل، علاوه بر تعیین حدود رفتاری برای خبرنگاران، تولیدکنندگان محتوا و مدیران رسانه‌ای، مرزهای مشروعیت شرعی در نشر و بازنشر اطلاعات را نیز تبیین می‌کند. تدوین چنین سندی می‌تواند مبنای الزام‌آور فرهنگی در کنار قانون باشد.

تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز از دیگر راهکارهای حقوقی در مواجهه با نشر خبر جعلی و کذب است. به‌موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر قوانین کیفری باید به نفع متهم و در چهارچوب دقیق متن قانون باشد. درحال‌حاضر، برخی قضات با توسل به مفاهیم کلی و غیرشفاف مانند «اخلال در نظم عمومی» یا «تشویش اذهان عمومی»، اقدام به صدور احکام کیفری می‌کنند که این امر می‌تواند به نقض آزادی‌های مشروع بیان بینجامد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود شورای نگهبان، دادگاه‌های عالی، رویه‌هایی را مبتنی بر تفسیر محدود و اصولی از جرایم رسانه‌ای تدوین نمایند تا در مواجهه با مصادیق نشر خبر جعلی و کذب، مرز حقوقی آزادی بیان و جرم‌انگاری شفاف‌تر شود.

در حوزه سیاست‌گذاری، یکی از اقدامات مهم، تدوین دستورالعمل جامع برای دستگاه‌های

مسئول ازجمله پلیس فتا، دادسراهای ویژه رسانه، وزارت ارشاد و مرکز ملی فضای مجازی است. این دستورالعمل باید شامل «نحوه شناسایی مصادیق اخبار جعلی و کذب»، «سازوکار رسیدگی فوری»، «حقوق کاربران متهم به نشر محتوا» و «روش‌های جبران خسارت برای قربانیان» باشد. در نبود چنین دستورالعملی، دستگاه‌های اجرایی در برخورد با این پدیده دچار پراکندگی و ناهماهنگی می‌شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مرکب از فقها، قضات، حقوق‌دانان و کارشناسان فناوری تشکیل شود تا به‌صورت مستمر، موارد نوظهور انتشار خبر خلاف واقع را رصد، تحلیل و برای آن‌ها رویه قضائی تولید کند.

۳-۲. نقد و بررسی پیش‌نویس لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»

این لایحه در ۲۲ ماده ابتدا توسط قوه قضائیه تهیه و به دولت ارائه شد. دولت یازدهم آن را به مجلس ارسال نکرد تا اینکه در دولت سیزدهم، لایحه مجدداً مطرح و با تأیید هیئت وزیران به مجلس فرستاده شد. در آذرماه ۱٤۰۳، نمایندگان مجلس با دو فوریت آن موافقت کردند. لایحه پس از تصویب دو فوریت، به کمیسیون فرهنگی ارجاع شده و در نوبت بررسی صحن علنی قرار داشت که در تاریخ ۸ مرداد ۱٤۰٤ توسط هیئت دولت مسترد گردید. بدین‌ترتیب، این لایحه به سرانجام تقنینی نرسید.

۳-۲-۱. نقاط قوت پیش‌نویس لایحه

۱. جامعیت تعریف «محتوای خلاف واقع»: ماده ۱ بند ۳[1] فراتر از «کذب محض»، تحریف، انعکاس ناقص و پنهان‌سازی عمدی را نیز شامل می‌شود که منطبق با مفاهیم نوین «توطئه اطلاعاتی» است.

۲. پیش‌بینی نهادهای راستی‌آزمایی مستقل: ماده ٦ بند ۲ بر تشکیل «نهادها و مؤسسات

---

۱. ماده ۱ بند ۳ لایحه: محتوای خلاف واقع: محتوایی که مابه‌ازایی در واقعیت نداشته یا شکل تحریف‌شده‌ای از یک واقعیت یا انعکاس ناقص واقعیت مانند پنهان کردن عمدی بخش‌هایی از آن باشد؛ به‌نحوی‌که عرفاً موجب تشویش اذهان شبهه یا فریب مخاطب یا هتک حیثیت دیگران شود.

مستقل و غیردولتی راستی‌آزمایی» تأکید دارد که رویکردی غیرامنیتی و حرفه‌ای محسوب می‌شود.[۱]

۳. مسئولیت پلکانی و شفافیت فرایند: ماده ٤ مکلف به «برچسب هشدار» و «انتشار اصلاحیه با همسانی بازدیدها» است که از مدل‌های موفق بین‌المللی (مانند آیین دادرسی اتحادیه اروپا) پیروی می‌کند.[۲]

٤. تمایز میان قصد و مسامحه: تبصره ۲ ماده ۱۲، بین رفتار عمدی (حبس درجه شش) و غیرعمدی (جزای نقدی درجه شش) تفکیک قائل شده که با اصل «قصد مجرمانه» در فقه جزا هماهنگ است.[۳]

۳-۲-۲. نقاط ضعف و چالش‌های پیش‌نویس لایحه

۱. ماده ٦ بند ۲: تعیین شرایط صدور مجوز و حمایت از تشکیل نهادها و مؤسسات مستقل و غیردولتی راستی‌آزمایی محتوا جهت ارائه گزارش به وزارت برای اعمال در سامانه و همچنین چگونگی همکاری آنها با سکوها و درگاه‌های نشر برای شناسایی و مقابله با محتوای خلاف واقع اعلام نظر کارشناسی در رسیدگی‌های قضائی و اداری.

۲. بر اساس ماده ٤ لایحه، مدیر سکو و درگاه نشر حسب مورد مکلفند به طور مستمر اقدامات زیر را به عمل آورند:

۱- ثبت و روزآمد نگه داشتن اطلاعات سکو یا درگاه نشر از قبیل اطلاعات مدیر و نقاط تماس در سامانه.

۲- ایجاد نقاط تماس مستمر با بهره‌گیری از امکانات سکوی نشر برای دریافت ابلاغ و اعلان خلاف واقع بودن محتوا از مراجع قضائی، کارگروه، سامانه و گزارش‌های مردمی.

۳- تلاش برای راستی‌آزمایی محتوا هنگام نشر از طریق بررسی‌های متعارف و رسیدگی به گزارش‌های مردمی.

٤- قرار دادن برچسب هشدار «محتوای مشکوک» یا راستی‌آزمایی در دست بررسی به‌صورت آشکار و شفاف در کنار محتوای مشکوک.

٥- انتشار اصلاحیه تکذیبیه و پاسخ ذی‌نفع با رعایت همسانی بازدیدها و شیوه نشر محتوای خلاف واقع.

٦- اصلاح، تعلیق یا حذف و جلوگیری از محتوای خلاف واقع بلافاصله پس از دریافت اعلان و ابلاغ خلاف واقع بودن محتوا از مرجع قضائی، کارگروه یا سامانه.

۳. تبصره ۲ ماده ۱۲: چنانچه نشر محتوای خلاف واقع ناشی از مسامحه، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی باشد، مرتکب به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

۱. ابهام در «امور عمومی» و «تشویش اذهان»: ماده ۱ بند ۳، «تشویش اذهان» و «هتک حیثیت» را بدون معیار عرفی روشن به‌کار گرفته است. این ابهام، بستر تفسیرهای موسع و سوءاستفاده قضائی را فراهم می‌کند.

۲. شمول فراسرزمینی بدون پشتوانه اجرایی: ماده ۲ لایحه شامل «سکوهای خارجی» می‌شود، درحالی‌که اعمال تحریم یا مسدودسازی سکوهای بین‌المللی بدون همکاری دولت‌های متبوع، عملاً ناممکن است.[۱]

۳. همپوشانی با قوانین موجود: ماده ۲۲ لایحه، ماده ٧٤٦ قانون مجازات (نشر اکاذیب) را ملغی می‌کند؛ اما با جرایم مشابه در قانون جرایم رایانه‌ای (مواد ٧٤٩ به بعد) تعارض دارد. این همپوشانی موجب سردرگمی قضائی می‌شود.

٤. حذف شرط «قصد اضرار»: در حقوق کنونی ایران، نشر اکاذیب زمانی جرم است که «مسبب ضرر به غیر» باشد. لایحه با حذف این شرط، هر خبر خلاف واقع را صرف‌نظر از آثار خارجی، جرم تلقی می‌کند که با اصل «حداقل‌سازی مداخله کیفری» ناسازگار است.

٥. فشار مضاعف بر سکوهای داخلی: ماده ٤ و ٥ تکالیف سنگینی (راستی‌آزمایی مستمر، برچسب‌زنی، پاسخگویی ۱۲ ساعته) بر سکوهای داخلی تحمیل می‌کند که با امکانات فعلی آن‌ها قابل اجرا نیست.

لایحه در مقایسه با ماده ٦٩٨ قانون مجازات اسلامی (نشر اکاذیب)، از حیث تعریف جامع‌تر و از حیث ضمانت‌اجراهای پیشگیرانه (برچسب، اصلاحیه) نوآورانه است؛ اما از منظر جرم‌انگاری، «تشدید مجازات در مواقع بحرانی» (ماده ١٤)[۲] بدون تعریف شفاف

---

۱. بر اساس ماده ۲ این لایحه دامنه شمول این قانون به شرح زیر است:

۱- کلیه سکوهای نشر داخلی و خارجی اعم از آنکه طبق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده یا نرسیده یا تجهیزات فنی مؤثر و اصلی آنها در ایران مستقر باشد یا نباشد.

۲- کلیه درگاه‌های نشر موجود در سکوهای فوق (اعم از داخلی دارای مدیر با تابعیت ایرانی یا خارجی دارای مدیر با تابعیت خارجی)

۳- کلیه اتباع ایرانی و خارجی اعم از حقیقی و حقوقی که به عنوان کاربر در سکوها و درگاه‌های موضوع بندهای فوق فعالیت می‌نمایند.

۲. بر اساس ماده ١٤، چنانچه نشر محتوای خلاف واقع در مواقع بحرانی یا شرایط اضطراری و یا وضعیت

«بحران»، امکان سوءاستفاده سیاسی را افزایش می‌دهد. همچنین، استنکاف از درج تکذیبیه توسط مدیران دستگاه‌های اجرایی (ماده ۱۸)[۱] هرچند اقدامی نوین در پاسخگویی حاکمیت است؛ اما ضمانت اجرای آن (انفصال سه ماه تا یک سال) در عمل با مقاومت ساختاری مواجه خواهد شد. برای پژوهش پیش‌رو، مهم‌ترین مسئله آن است که «تعریف عملیاتی محتوای خلاف واقع» و «نقش نهادهای مستقل راستی‌آزمایی» می‌تواند الگویی برای اصلاح قوانین ناظر بر جرایم مطبوعاتی در ایران باشد.

نتیجه‌گیری

جرم انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی، از مصادیق بارز اختلال در نظم عمومی و تهدیدکننده اعتماد اجتماعی در عصر ارتباطات دیجیتال است. تحلیل ابعاد این جرم نشان می‌دهد که با گسترش نفوذ فناوری و پیچیدگی روابط اجتماعی، مقابله با آن صرفاً از مسیرهای تقنینی و قضائی کلاسیک امکان‌پذیر نیست بلکه باید با نگاهی سیستمی، هوشمند و چندلایه به آن پرداخت. این جرم، علاوه بر لطمه به حیثیت افراد، امنیت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد و موجب تضعیف مرجعیت رسانه‌ای و نهادهای رسمی می‌شود. ناکارآمدی برخی مفاهیم قانونی در مواجهه با فناوری‌های نوین، عدم هماهنگی میان نهادهای نظارتی، و نبود دستورالعمل‌های براساس مبانی فقهی در زمینه نوپدید فضای مجازی، ازجمله موانع مؤثر در کنترل این پدیده محسوب می‌شوند. در این میان،

جنگی به ترتیب به تشخیص شورای عالی مدیریت بحران مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی واقع شود درصورتی‌که از مصادیق افساد فی‌الارض، نباشد مجازات مرتکب یک درجه تشدید می‌شود.

۱. بر اساس ماده ۱۸، هر یک از مدیران دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۹) این قانون که نسبت به درج تکذیبیه یا توضیح و اصلاحیه در سامانه مسئولیت دارد درصورتی‌که عالما و عامداً از درج تکذیبیه در سامانه طبق ضوابط مقرر در این قانون استنکاف کند، علاوه بر جبران خسارت در حق متضرر و درج تکذیبیه در سامانه به حبس و جزای نقدی درجه شش و انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. تبصره- درصورتی‌که عدم درج تکذیبیه ناشی از مسامحه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی باشد، مرتکب مستوجب انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت سه ماه تا یک‌سال خواهد بود.

پیش‌نویس لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»، اگرچه نهایتاً با استرداد از سوی هیئت دولت روبه‌رو گردید؛ اما از حیث محتوایی حاوی نکات قابل تأملی بود. از نقاط قوت این لایحه می‌توان به جامعیت تعریف «محتوای خلاف واقع» (ماده ۱ بند ۳) فراتر از کذب محض، پیش‌بینی نهادهای مستقل راستی‌آزمایی (ماده ٦ بند ۲)، تمایز میان رفتار عمدی و مسامحه‌آمیز (تبصره ۲ ماده ۱۲)، و تکلیف به «برچسب هشدار» و «انتشار اصلاحیه با همسانی بازدیدها» (ماده ٤) اشاره کرد. بااین‌حال، لایحه مذکور با کاستی‌هایی نظیر ابهام در مفاهیم «تشویش اذهان» و «امور عمومی»، حذف شرط «قصد اضرار» که در حقوق جزا، نشر اکاذیب (ماده ٦٩٨ قانون مجازات اسلامی) وجود داشت، همپوشانی با قوانین موجود جرایم رایانه‌ای، و تکالیف سنگین و غیرعملی برای سکوهای داخلی مواجه بود. استرداد این لایحه از سوی دولت، خود نشانگر چالش‌های عمیق در فرایند جرم‌انگاری در حوزه فضای مجازی و ضرورت بازاندیشی در الگوهای تقنینی موجود است.

در حوزه راهکارها، رویکردهای اتخاذشده این پژوهش بر اساس سه محور بنیادین سامان یافته‌اند: پیشگیری فعال، واکنش قضائی هدفمند و بازسازی اعتماد اجتماعی. تقویت سازوکارهای پالایش خودکار محتوا بر پایه هوش مصنوعی بومی، تدوین سیاست‌های ملی سواد رسانه‌ای با رویکرد تربیتی، و آموزش نهادینه اخلاق رسانه‌ای با الهام از مبانی اسلامی، ازجمله راهکارهای پیشگیرانه‌ای هستند که می‌توانند بستر وقوع این جرم را محدود کنند. در بُعد واکنشی، ضرورت تشکیل شعب تخصصی قضائی، بازنگری در سیاست کیفری تقنینی و تدوین آیین‌نامه‌های ناظر به رفتارهای رسانه‌ای در فضای مجازی، اجتناب‌ناپذیر است. تجربه لایحه یادشده نشان داد که هرگونه اقدام تقنینی در این حوزه، پیش از هر چیز نیازمند شفاف‌سازی مفهومی، تفکیک میان «خطای حرفه‌ای» و «رفتار مجرمانه»، و لحاظ سازوکارهای جبران خسارت معنوی است.

در کنار آن، ایجاد مراکز حمایتی برای قربانیان، ارائه خدمات مشاوره‌ای و حقوقی و طراحی سازوکارهای جبران خسارت معنوی از سوی دولت و نهادهای عمومی، از مؤلفه‌های مهم عدالت ترمیمی در این حوزه است. افزون‌براین، تعاملات بین‌المللی و

منطقه‌ای، با تمرکز بر تبادل تجربه و تدوین دستورالعمل‌های همکاری چندجانبه در زمینه نظارت بر محتوای فرامرزی، از الزامات مقابله مؤثر با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در بستر جهانی اینترنت است. همچنین ضرورت مشارکت فعال و هوشمند مردم از طریق سامانه‌های گزارش‌دهی و تقویت ظرفیت دیده‌بانی مردمی به‌عنوان نیروی مکمل نهادهای رسمی، مورد تأکید این پژوهش قرار گرفت. در افق بلندمدت، دستیابی به فضای مجازی‌ای که همزمان با رعایت اصل آزادی بیان، از انتشار اطلاعات کذب، تخریب شخصیت‌ها و تزلزل اعتماد عمومی جلوگیری کند، مستلزم همگرایی نهادی، بازمهندسی ساختارهای قانونی، نهادسازی هوشمند و ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری کاربران است. چنین چشم‌اندازی تنها زمانی محقق خواهد شد که نگاه صرفاً امنیتی جای خود را به نگرشی متعادل، جامع‌نگر و بر پایه آموزه‌های فقهی، عقلانی و اخلاقی بدهد.

درنهایت، مسیر مقابله با جرم انتشار محتوای خبری خلاف واقع نه مسیری صرفاً تقنینی و تنبیهی، بلکه فرایندی اجتماعی، فرهنگی و مشارکتی است که در پرتو برنامه‌ریزی درازمدت و هماهنگ و با بهره‌گیری از آموزه‌های پیش‌نویس‌های تقنینی موفق (با اصلاح نواقص آن‌ها) می‌تواند فضای مجازی کشور را به الگوی باثباتی از امنیت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای تبدیل نماید.

منابع

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

انصاری، مرتضی (۱٤۳۲). المکاسب (ج ۱). قم: مؤسسه بوستان کتاب.

انصاریان، عبدالحمید (۱۳۸۳). تفاسیر اخلاق رسانه‌ای. تهران: انتشارات آستان قدس.

بابایی، محمود (۱٤۰۰). اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی: رویکردها و پیامدها. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۷(۲۵)، ٦۷-۹۲.

باقی‌زاده، محمدجواد و امیدی‌فر، عبدالله (۱۳۹۳). «قاعده حفظ نظام در حقوق اسلامی و کاربرد آن در جرایم رسانه‌ای». فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۱.

جوانمرد، بهروز (۱۳۹۸). حقوق کیفری رسانه (مطبوعات، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های دیجیتال). تهران: انتشارات جنگل.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱٤۱۱ق). وسائل الشیعه. جلد ۷. قم: مؤسسهٔ آل‌البیت.

حیدری، علی‌مراد (۱٤۰۳). عملکرد نهادهای مسئول در مقابله با جرایم رسانه‌ای. سیاست جنایی ایران، ۲(۱).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله (ج ۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خویی، سیدابوالقاسم (۱٤۱۲). مصباح الفقاهه فی المعاملات (ج ۱)، توحیدی، محمد علی، بیروت: دار الهادی.

رحمانی، محمد (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی رویه قضائی ایران در قبال جرایم مطبوعاتی در فضای مجازی. مجله حقوقی دادگستری، ۸٤(۱۱۲)، ۱٤۵-۱۷۰.

سیاست‌های کلی نظام در فضای مجازی. (۱۳۹۸). ابلاغی مقام معظم رهبری. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

شعبان‌زاده، یعقوب و خاتم‌زاده، رضا (۱٤۰۱). تحلیل جرم‌شناختی پدیده شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب در شبکه‌های اجتماعی. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۱۳(۲۵)، ۷۱-٤۵.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱٤۱۳ ق) مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم، چاپ مکتبه آیت الله مرعشی.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱٤۰٤ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. جلد ۲. قم: دارالکتب الإسلامیهٔ.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳٦۰). تفسیر المیزان. جلد ۱۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قاسمی، حاکم (۱۳۹۸). نقش رسانه‌های نوین در مهندسی افکار عمومی و تولید اخبار جعلی. فصلنامه مطالعات عملیات روانی، ۱٦(۵۳)، ۷٦-۵۱.

قوه قضائیه (۱٤۰۲). آرای وحدت رویه و رویه قضائی منتخب در حوزه جرایم رایانه‌ای. تهران: معاونت حقوقی و مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱٤۰۷ق). الکافی. جلد ۲. تهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

کمری، غلامرضا کمری و عباس اسدی، امیرحسام اسحاقی (۱٤۰۲). قالب‌های رایج و نوع گفتمان شایعه‌سازی در فضای مجازی. مطالعات رسانه‌های نوین،۹(۳۵)، صص ۷٦-۳۷.

کیا، علی‌اکبر و سعادت سیرت، زهرا (۱۳۹۹). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تحول روزنامه‌نگاری شهروندی. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ٦(۲۲)، ۱٤۰-۱۱۵.

محمدی، قاسم (۱۳۹۷). جرایم سایبری در نظام حقوق کیفری ایران. تهران: مجد.

مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست‌جمهوری (۱٤۰۰). تحلیل آثار اجتماعی و فرهنگی اخبار جعلی در فضای مجازی ایران. تهران: معاونت مطالعات اجتماعی مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست‌جمهوری.

مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۵). بررسی اعتماد عمومی به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹٦). گزارش تحلیلی وضعیت جرایم و تخلفات در فضای مجازی ایران. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

مرکز ملی فضای مجازی (۱٤۰۰). سند سیاست‌ها و اقدامات مقابله با جرایم و محتوای مجرمانه در فضای مجازی. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

مرکز ملی فضای مجازی (۱٤۰۲). گزارش سالانه تحولات و تهدیدات فضای مجازی کشور. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

مظاهری، محمدرضا (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی فضای مجازی از منظر فقه و حقوق. جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات میزان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). تفسیر نمونه (ج ۱٤). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱). استفتائات جدید، ج۱، قم: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱٤۱۰ق). قواعد الاحکام فی الفقه الاسلامی. قم: انتشارات کتابخانه اعظم قم.

موسوی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی جرم‌انگاری دروغ و خبرسازی جعلی در فقه و حقوق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

موسوی‌نژاد، سیدامیر (۱۳۹۵). «حدود آزادی بیان در رسانه‌های دیجیتال از دیدگاه فقه امامیه». فقه رسانه.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۵). تقریرات درس سیاست جنایی. تنظیم و گردآوری: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

نظری، محبوبه (۱٤۰۲). نقش آموزش سواد رسانه‌ای در پیشگیری از خبرسازی جعلی. پایان‌نامه دانشگاه الزهرا.

نوربها، رضا (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.

وطن‌خواه، مرضیه؛ طهرانی‌زاده، مریم و موسوی‌اصل، سیدعلی (۱٤۰۳). اثرات روانی خبرسازی جعلی بر کاربران فضای مجازی. فصلنامه روان‌شناسی اجتماعی و رسانه، ٤(۲).

هاشمی، اکرم.(۱۳۹٦). جرم‌انگاری خبرسازی در فضای مجازی با تأکید بر فقه امامیه و حقوق ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید).

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹٦). بررسی فقهی و حقوقی هتک حیثیت و نشر اکاذیب در فضای سایبر. دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۰(۱)، ٦۲–٤۱.

یزدانی، جواد (۱۳۹۸). اصول سیاست جنایی در عصر دیجیتال. فصلنامه حقوق کیفری معاصر، ۲(٤).

Bandura, A. (1977). Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Becker, H. S. (1963). Outsiders: Studies in the sociology of deviance. New York: Free Press.

Castells, M. (2009). Communication Power. Oxford University Press.

European Commission. (2021). [Title of the report or document if available].

Fuchs, C. (2014). Social Media: A Critical Introduction. Sage Publications.

Garland, D. (2001). The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society. Oxford University Press.

Kofta, M., Soral, W., & Bilewicz, M. (2020). Conspiracy beliefs and social behavior: Theoretical and empirical perspectives. Current Opinion in Psychology, 35, 100–104.

Marwick, A., & Lewis, R. (2017). Media Manipulation and Disinformation Online. Data & Society Research Institute.

McQuail, D. (2010). McQuail's Mass Communication Theory (6th ed.). London: Sage.

Muller, H. (2018). Digital Disinformation and Criminal Law in Germany. Berlin: Springer.

Napoli, P. M. (2019). Social Media and the Public Interest: Media Regulation in the Disinformation Age. Columbia University Press.
Nasrullah, R. (2020). Digital Literacy in the Muslim World. Jakarta: Prenadamedia Group.
Smith, J. (2020). Freedom of Expression vs. Fake News. Oxford: Hart Publishing.
UNESCO. (2022). Global Media and Information Literacy Week 2022 Concept Note. Paris: UNESCO.
UNODC. (2021). Comprehensive Study on Cybercrime. Vienna: United Nations Office on Drugs and Crime.
Vosoughi, S., Roy, D., & Aral, S. (2018). The spread of true and false news online. Science, 359(6380), 1146–1151.
Wilson, J. Q., & Kelling, G. L. (1982). Broken Windows: The police and neighborhood safety. Atlantic Monthly, March, 29–38.